

رئیس - شور اول قانون مستقالات ختم شد چون در دستور چیز دیگر نداریم اگر مخالفی نباشد جلسه را ختم کنیم و برای اینکه بتوانیم هر چه زودتر این قانون را بگذرانیم جلسه را بر روز سیم ماه شوال قرار میدهم چون میان شور اول و شور دوم باید پنج روز فاصله باشد

سردار سعید - بنده میخواستم تقاضا کنم چون راپورت راجع به اعتبارنامه آقای ادیب السلطنه از شعبه گذشته و تا سوم ماه طول میکشد اگر حاضر است قرائت شود

سردار معظم - بله اگر کارهای ما فقط جز قانون مستقالات چیز دیگری نمی بود بنده هم موافق بودم که جلسه تأخیر نیفتد ولی یک چیز لازمتری در پیش است که آن بحران کابینه است و بنده تصور میکنم که موقع آن رسیده باشد که یک تصمیمات جدی در رفع بحران کابینه بکنیم

رئیس - این مسئله را بعد عرض خواهم کرد راجع با اعتبار نامه آقای ادیب السلطنه مخالفی نیست که جزء دستور امشب باشد (گفته شد خیر)

(آقای سردار سعید مخبر شعبه دوم راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شب یکشنبه ۲۶ رمضان جلسه شعبه دوم در تحت ریاست آقای آقا سید محمد رضای سادات دائر و رسیدگی با اعتبارنامه آقای ادیب السلطنه نماینده رشت منعقد و چون صفحه شکایتی که در جلسه قبل مذاکره شده بود واز وزارت داخله که بشعبه رسیده موضوع مذاکره و بحث گردید عریضه شکایت جمعی باسم کسبه رشت قرائت که انتخاب وکیل رشت بدسته بندی و برخلاف قانون اقدام میشود و استدعا کرده بودند که وزارت داخله تئیز مسلک را بانجمن نظارت مخابره فرمایند وزارت جلیله داخله هم نیز تلگرافی در تحت نمره ۱۱۳۹ بحکومت گیلان و طوالش کرده و چون موضوع شکایت شاکیان مطلق و مبهم بود سؤال نموده است که چطور دسیسه شده و آیا این اظهارات واقعیت داشته است یا خیر و معترضین بجهت سندی مستمسک باینگونه اظهاراتند حکومت گیلان تلگرافی در تحت نمره ۱۴۴۹ مخابره کرده و اظهار میدارد که آنچه وظیفه یک حکومت قانونی است رعایت شده علاوه بر مواظبتهای حکومت اعضای انجمنها از عناصر صالحه و بصیر انتخاب و تشکیل انجام آن از روی صحت و درستی بوده مثلاً راجع به بعضی محل اطراف که شاید سابقاً بواسطه بعضی توهمات اعلان نشده بود حکومت آنجا را هم صرف نظر کرده و نوشته است که بمحض قول که شکایت کنندگان نسبت بدهند که دسیسه شده قبول نخواهد شد بهتر این بود که ادله ثانی پیشنهاد میکردند و ضمناً علاوه میکنند که خوب بود شکایت کنندگان رعایت قانون نموده موافق نظامنامه شکایات خود را بانجمن نظار مستقیماً یا بتوسط حکومت اظهار میداشتند تا متهم بدم رعایت قانون و یا متحرک بتحرک غیر نباشد بنا بر این چون ایراد قانونی نبود و حکومت نیز با این شرح و بسط تکذیب شکایت کنندگان و حکم بصحت انتخاب کرده بود شعبه باتفاق آراء حاضرین که (۱۱) نفر بودند نمایندگی آقای ادیب السلطنه را که با اکثریت ۴۳۴ رأی از ۶۷۸۳ رأی انتخاب شده اند تصدیق و صحت اوراری داده .

رئیس - در وکالت آقای ادیب السلطنه مخالفت و ایرادی نیست مخالفتی نشد رأی می گیریم بنمایندگی ایشان آقایانی که وکالت ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند .
عده کثیری قیام نمودند

رئیس - تصویب شد - يك فقره اعتبار نامه دیگر هم در شعبه اول مانده است که باید زودتر شعبه تشکیل و در آن اعتبارنامه رسیدگی شود .

سلیمان میرزا - از برای روز سیم ماه شعبه را خبر کرده اند تشکیل خواهد شد و بان اعتبارنامه رسیدگی میشود .

رئیس - آقای مستوفی الممالک به بنده یقین داده بودند که يك جزئی نظر در تشکیل کابینه دارند و آن نظر را گمان نمیکنند تا دو سه روز دیگر انجام بگیرد و اینکه عرض کردم جلسه بماند برای سوم ماه مقصودم جلسه قانون گذاری بود البته اگر لازم شد جلسه بطور فوق العاده تشکیل کنیم اطلاع داده خواهد شد حالا با این ترتیب با جلسه سوم ماه مخالفی نیست ؟

گفته شد خیر

پس جلسه برای سوم ماه سه ساعت بظهر مانده خواهد بود .

مجلس الدوله - برای تشریف حضور همایونی لازم است کمیسیون انتخاب شود گمان میکنم جلسه دیگری تا روز هید نخواهد بود که این کمیسیون را انتخاب کنیم پس گمان میکنم اگر حالا انتخاب کنیم که تا روز هید فطر برای عرض تبریک شرفیاب شوند بهتر باشد .

رئیس - گمان میکنم دوازده نفر برای این هیئت کافی باشد .

گفته شد کافی است

دوازده نفر باید بحکم قرعه در هیئت رئیسه معین فرمائید چون از هر حزبی در اینجا هست بعلاوه در نظامنامه هم قید نشده است که حتماً باید در مجلس تعیین شود و گمان میکنم این قبیل مطالب را در خارج مجلس معین کنیم بهتر باشد

تعیین عده راجع بتصویب مجلس بود دوازده نفر تصویب فرمودند اگر مخالفی نباشد اشخاصش را در خارج مجلس در اطاق تنفس معین میفرمایند (مجلس چهار ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۶۱

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه

۳ شهر شوال ۱۳۲۳

مجلس تقریباً دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس شب ۲۸ شهر رمضان قرائت شد .

فائزین بدون اجازه - آقایان حاج معین التجار مدحت السلطنه - حاج سید رضا فیروز آبادی مریض و با اجازه - آقایان طباطبائی - ارباب کیخسرو .

رئیس - در صورت مجلس آقایان ملاحظاتی دارند یا خیر ؟ (اظهاری نشد) ملاحظاتی ندارند صورت مجلس تصویب شد قبل از اینکه داخل دستور شویم خاطر آقایان را مسبوق میکنم که هیئت وزراء در شرف تکمیل است و انشاءالله روز ۴ شنبه برای

معرفی بمجلس تشریف خواهند آورد - دستور امروز شور دوم قانون مستقالات است راپورت ثانوی طبع و توزیع شده است باید رأی بگیریم در اینکه داخل شور ثانی بشویم یا خیر ولی پیشنهادی راجع بدستور آقای مدرس کرده اند چون حق تقدم دارد قرائت می شود .

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم امروز مجلس ختم و در اطاق تنفس بجهت بعضی مذاکرات مجلس منعقد شود مدرس - دو این ایام جهت اینکه ماه مبارک بود بعضی مطالب در بوته اجمال ماند و ذهن آقایان مستحضر است که مطالب اساسی خیلی است خوبست آقایان در آنها مذاکراتی بفرمایند بلکه انشاءالله الرحمن کابینه هم که تشکیل می یابد مقدماتش حاضر شده باشد انشاءالله بعضی اقدامات اساسی بشود از این جهت تقاضا کردم اگر صلاح میدانند مجلس امروز ختم شود و در اطاق تنفس آقای رئیس مجلس تشکیل بدهند و در آنجا مشغول مذاکرات اساسی بشویم حالا دیگر موکول بنظر مجلس است .

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم در صورتیکه هفته دو روز بیشتر مجلس نداریم خوبست این دو روز را مشغول کارهای رسمی بشویم و قانون مستقالات را که شاید عایداتش مخصوص بنظمیه شده بگذرانیم در اینصورت هیچ مانعی نخواهد بود که امروز مجلس داشته باشیم و باندازه ساعت معین وقتانرا صرف قانون بکنیم از برای فرمایشات و مذاکرات مهمی که آقای مدرس در نظر دارند ممکن است عصر جلسه خصوصی منعقد شود و عصر هم وقت ممتد است از ساعت ۳ بعد از ظهر ممکن است بنشینیم تا هروقت شب مذاکره شود و چون مطالب مهم است لابد مذاکرات هم زیاد خواهد شد حالا دو ساعت بظهر داریم تا جلسه را ختم کنیم و برویم آن اطاق بنشینیم وقت مذاکره نخواهد ماند ظهر هم که باید برویم پس وقت ممتد بعد از ظهر است که بیائیم تا ۳ ساعت از شب گذشته بنشینیم و صحبت کنیم و شش هفت ساعت آقای مدرس و سایر آقایان مطالب خودشانرا میتوانند اظهار نمایند و مذاکره شود .

رئیس - رأی میگیریم در این باب آقایانی که پیشنهاد آقای مدرس را تصویب میفرمایند قیام نمایند .

عده قلیلی قیام نمودند

رئیس - تصویب نشد رأی میگیریم داخل شور ثانی قانون مستقالات بشویم یا خیر .

سردار معظم - قسمت ثانی مانده و بعقیده بنده باید در آن مذاکره شود چون بعضی آقایان که رأی ندادند نظر بپیشنهاد آقای سلیمان میرزا بود و تکلیف جلسه خصوصی معین نشد .

رئیس - این یک چیزی نیست که در مجلس رأی گرفته شود در خارج باید معین شود رأی میگیریم برای داخل شدن در شور ثانی قانون مستقالات آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند و ماده اول بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱ - برای کابینه مستقالات از قبیل دکاکین مغازهها خانههای اجاره انبارها کاروانسراها ومهمان خانه ها نمایشگاه ها یخچال ها قهوه خانها میدانها

و غیره در شهرها و قصبات عمده مالیات مستقلات بر- قرار میشود .

حاج شیخ اسدالله - این جمله در شهرها و قصبات عمده (یک لفظ مجملی است و موقوف بیک شرحی است که مراد از قصبات عمده چه چیز است اگر بهمین حالت اجمال باقی باشد ممکن است در تمام دهات شروع بعملیات کنند و بگویند قصبه عمده است و قصبه هم که علامت مخصوص ندارد و بنابراین بنده تصور می کنم چون مالیات برای نظمیة تخصیص داده می شود نوشته شده در قصباتی که نظمیة در آنجا تشکیل شده یا تشکیل میشود برقرار خواهد شد والا اگر بطور مطلق نوشته بشود متعرض دهات خواهند شد و می گویند قصبه است علامت مخصوصی هم که ندارد و حل این مطلب خیلی مشکل میشود

رئیس - دو فقره اصلاح از طرف آقای زنجانی و سلطان العلماء رسیده است قرائت می شود بعد مذاکره میکنم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای زنجانی

ماده اول - قانون مستقلات چنین نوشته شود از کلیه مستقلات از قبیل خانه ها و دکاکین و مغازه ها و انبارها و کاروانسراها و مهمانخانهها و نمايشگاهها و یخچالها و قهوه خانهها و قنوت مستقله که تابع ملکی نیست و میدان در شهرها و قصبات عمده مالیاتی که بقدر لزوم اولاً بمصرف قانونی محل خواهد رسید برقرار می شود مقصود از قصبات عمده این است که کمتر از ۲۰ باب دکان نداشته باشد

پیشنهاد سلطان العلماء

بنده پیشنهاد مینمایم که مالیات خانهها را از مواد الغاء نمایند

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - چون بنده چندین فقره در ماده اول نظر داشتم لهذا همه را در این پیشنهاد درج کردم اول مسئله خانهها بود که در شور اول خیلی مذاکرات شد بعضی باعتبار اینکه این مالیات مالیات بر عایدات است رد کردند بعضی باعتبار اینکه اشکال در اجرای این قانون پیدا میشود رد کردند بعضی هم تصویب کردند بهر حال بنده حالا اساساً عرض میکنم که مالیات در دنیا بدو قسم است یا بر اراضی است یا بر عایدات هنوز هیچ دولتی نتوانسته است موفق شود که مالیات بر عایدات به بندد و الا همه عقلاً تصدیق کرده اند که مالیات بر روی عایدات عادلترین تمام چیزها است اما نتوانسته اند این را اجرا کنند بجهت اینکه بعضی عایدات را میتوان تعیین کرد مثل عایدات دکاکین و غیره اما کسانی که پول دارند و بصرف میدهند یا کسانی که تجارت دارند و کارخانجات و دخلهای بزرگ دارند عایدات آنها را نمیشود روی کاغذ آورد که از آن رو مالیات بگیرند تدبیراتی برای این کرده اند ولی هنوز موفق نشده اند اما مالیات اراضی در همه جا جریان پیدا کرده است و باز در آنها عایدات ملحوظ شده است این زمین یا این خانه یا دکان را باهم فرق داده اند مالیات این ده کمتر از آن ده است و به اراضی بنظر عایدات یا بنظر فوائد مالیات بسته اند و در هیچ مملکتی نیست که خانه ها مالیات نداشته باشند فلسفه مالیات این است که دولت حفظ امنیت را میکند اموات مردم

را حفظ میکنند در واقع اجیر است و اجیر باید اجرت بگیرد چون خانه مرا حفظ کرده باید اجرت بگیرد خانه اجاره او را حفظ کرده باید اجرت بدهد تمام اراضی باید مالیات داشته باشد و در تمام ملل برای خانهها مالیات است بلی من هم عرض میکنم که قانون گذار باید اجرای آن را هم در نظر داشته باشد و شاید اجرای این کلیتاً اشکال داشته باشد ولیکن چون در شهرها و قصبات عمده است و اهالی شهرها و قصبات عمده بقانون تمدن نزدیکترند چون می بینند که این مالیات از خانههای آنها گرفته میشود و از برای نظمیة و امنیة آنجا صرف میشود گمان میکنم خودشان تصویب کنند و اطاعت از قانون کنند و بسهولت جریان پیدا کنند حالا اگر اشکالی دارد خوبست کاملاً بفرمایند تا بنده هم از این مطلب هود کنم و الا علت و سبب دیگر را قبول نمیکم که بگویند خانهها مالکینشان پریشانند خیر اینطور نیست خانه ده تومانی را حفظ میکنند من از ده تومان ده شاهی میدهم خانه صد هزار تومانی او را حفظ میکنم او از صد هزار تومان هزار تومان میدهد خانه ده هزار تومانی دیگری را حفظ میکند از ده هزار تومان فلانقدر میدهد نه بر من تحمیل است نسبت بحال خودم نه باو نسبت بحال خودش از من بقدر او نمیگیرد من بقدر دارائی خودم ده شاهی بر من تحمیل نیست و هزار تومان هم بدیگری تحمیل نیست و هزار تومان هم بدیگری تحمیل نیست پس این اشکال نیست همانطوریکه عرض کردم اشکال در اجرا است اگر توضیح چنان فرمودند که بنده را متقاعد فرمودند بنده رفح ید میکنم والا بنظر بنده باید رد شود یک چیز دیگری هم بنده زیاد کرده ام و آن قنوت مستقله است چون غالباً قنوت در املاک است و تا به ملک است لهذا مالیات دارد اما در شهرها قنات هائی احداث شده است که مخصوصاً برای اجاره دادن است که مردم پول میدهند آب میخرند و اراضی را مشروب میکنند این چرا مالیات ندهد؟ و حال آنکه این قنوت خیلی عایدات دارد و مالیات زیاد هم میتواند بدهد و اغلب قصبات از آن قنوت مشروب میشوند زیاد هم اجاره میکنند و زیاد هم دخل دارد یکی هم کارخانجات است که بنده اضافه کرده ام و دیگر اینکه مقدمتاً اشاره کردم که این مالیات بمصرف نظمیة خواهد رسید و خواستم این مطلب را که در آخر قانون بدانند این مالیات نظمیة نظمیة وضع شده است یکی هم قصبات بود که آقای حاج شیخ اسد الله اشکال کردند مجمل است راست است این یک چیزی است که محل اشکال خواهد بود فردا دولت میگوید اینها قصبات عمده است و آنها میگویند قصبات عمده نیست بنده یک میزانی بنظر آمد هر جائی که دیدم بیست دکان مستقل دارد سایر چیزها هم از روی آن معین میشود یک همچو جائی را قصبه قرار بدهیم که مالیات بدهد و هر جا کمتر از آن است مالیات ندهد این بنظر من موافق تر آمد حالا یا بالاتر یا پائین تر در هر صورت قطعاً یک چیزی باید معین کرد حالا اگر آقایان نظری دارند بفرمایند

حاج شیخ محمد حسن گروسی - عرض میشود لازم شد که داخل شویم و یک قدری اسباب تصدیق آقایان شده باشیم چون باید داخل اصل

اساس مطلب شد این که هیئت اجتماعیة محتاجند اداره کردن امور معیشت زندگانی خودشان یک شمه است از امور زندگانی اشخاص و افراد البته بعد از اینکه کار را بدست جمعی دادند و اداره امور را بدست آنها تفویض کردند سایرین مکلفند بر طبق تعهدشان بآن جمعی که اداره کردن ممالک با ایشان تفویض شده اجرت بدهند بالذات این تکلیف و تعهد باشخاص وارد است و ابداً باعیان اموال ربطی ندارد و بعد از آنکه بنده کاری را بکسی رجوع کردم آن شخص مکلف است کار مرا انجام بدهد و من هم مکلفم جهات حوائجه او را انجام بدهم و این ترتیب اولاً وبالذات بین اشخاص و نفوس است بعد از اینکه اینطور شد و بنده یک اموری را بیک جمعی دادم که اقدام بکنند لابد باید قرار بدهم حوائج آنها را اشیائی که معدنه برای هائمی و برای معیشت شخصی رفع کنیم لهذا تائباً وبالقرض یک مالیاتی برای رفع آن حوائج قرارداده میشود و چون آن حوائج مستمر و مستدام است و لازم است که همیشه در جریان باشد این مالیات را باید در اموری قرارداد که از پرتو تعهد اشخاص است نه خود اموال که تعلق بمال بگیرد و بر حسب اشخاص بر آنچه که معه و منجبه است و معیشت شخص خودش را فراهم میآورد تعلق میگیرد یک کسی معیشتش از زراعت است و از زراعت مایحتاج خود را عمل میآورد از همان زراعت باید یک حصه بدولت بدهد که امور اجتماعیة را انجام میدهد یک کسی است که خانه کرایه میدهد چون آنرا برای عایدی خودش قرارداده است نه از برای انتفاع شخصی و از آن عایدی امور معیشت و اهل و عیال را انجام میدهد باید یک قسمت آنرا بدولت بدهد لهذا عرض میکنم که برخانهها برسبیل اطلاق صحیح نیست مالیات به بندند بجهت اینکه بنده تصور میکنم مستقل را با قاف نوشتن صحیح نیست اگر چه معروف شده است ولی باید با فین نوشته شود چون مراد از مستقلات اشیاء ثابتة برای غله است و غله مراد از دخل است اول تعریف مستقلات را بکنیم و ببینیم خانه مسکونی را میگوید یا نه اگر خانه های مسکونی را میگوید حرفی نداریم اما اگر نگرقت و خروج موضوعی داشت و چیزی بود که معه است از برای انتفاع شخصی نه برای عایدی و چشم پوشیده است از اینکه چهارشاهی از آنجا گیر او بیاید و باید زن و بچه اش در آنجا سکنی کنند دیگر چه جادارد که باز بر آنها تحمیل مالیات بکنیم پس باید تعریف را طوری بکنیم که آنوقت در جزئیات او گیر نکنیم برعکس باغها در جزء مستقلات شمرده میشود در صورتیکه در اینجا اسم نبرده باغاتی است مثل باغ مو و آنها هم جزو مستقلات شمرده میشود و ابداً ذکری از آنها نشده است بعضی اشخاصی هستند که باغچه از برای زن و بچه شان دارند و ابداً نظر بعایدی ندارند اما باغاتی هست که مبلغ کثیری مو دارند و مدار زندگانی مالکین از پرتو آنها است و ذکری از آنها نشده است پس بنا بر این ابتداء بپردازیم بتعریف مستقل ببنیم مستقل چیست در جزئیات او گیر نکنیم تعریف مستقل بهمان صورتی که عرض کردم عبارت از اشیاء ثابتة متغذیه از برای غله است در لغت بمعنی دخل است یعنی اشیاء متغذیه برای دخل که یک جنبه ثبات و دوامی داشته باشد

و اینکه فرمودند نتوانسته اند بر عایدی مطلق به بندند عایدی مطلق اصلاً غلط است چون بملط رفته اند موفق نشده اند عایدی مطلق را بیدر نظر گرفت که آن اشیاء متخذه هستند که نوعاً معدنبر ای اینکه یک عایدی معمولی بیآورند مالیات ترا باو قرار دادند بطلاق عایدی بطلاق عایدی نمیشود قرار داد این است که بنده عرض میکنم تنزیل پول یا فلان را نمیشود مدار قرار داد تا اینکه بگوئیم چرا موفق نشدند و شاید ما موفق شویم ما هم موفق نخواهیم شد همچنانکه درامور زندگانی کسی هست که از مستقل (یعنی آنچه که متخذ است از برای عایدی) زندگانی خودش را انجام میدهد باید یک قسمت از آنرا برای انجام امور اجتماعی بدولت بدهد در این صورت خانه های مسکونی که برای انتفاع است نه از برای دخل موضوعاً خارج است و نمیشود خانه ها را علی سبیل الاطلاق گفت موضوع از برای مالیاتند لهذا نوشته اند خانه هائیکه معدن از برای اجاره و صحیح هم نوشته اند حتی خانه هائیکه ندرتاً با اجاره میروند بکرات عرض کرده ام ادا بیکه دارالسکنائی بر اوصاف میاید و لوانیکه قلیلا و ندرتاً با اجاره برود باز هم خارج است لهذا بعد از اینکه ما میزان تعریف را این طور گرفتیم آنوقت در جزئیات گیر نمیکند و خانه های مسکونی بالمره خارج میشود و چیز هائیکه معدن برای اجاره مثل خانه و دکاکین و مغازه ها و کاروانسرا ها باقی میماند دیگر اینکه خوبست آقای مغیر در این خصوص توضیح بفرمایند لفظ (و غیره) برای چه است عرض کردم مستقلاً عومیت دارد دامنه اش خیلی خیلی وسیع است حتی باغاتی که از دخل آنها زندگانی انجام میگردد کله مستقلاً آنها را هم میگیرد آیا این ها خارج است یا اینکه بنابه لفظ (و غیره) داخل است اگر داخل است یک عیب دارد که اینجا ذکر نشده چون باغات هر دو قسم است بعضی باغات فقط برای انتفاع شخصی است نه نظر بعائدی است اگر نظر باین است لفظ مستقلاً آن قسمت را هم میگیرد خوبست اقلاً در ضمن احکام مترض اوهم بشوند چنانچه عرض کردم این باغات بر دو قسم است بعضی از باغات معدن از برای عایدی و معیشت مالک از آن است و بعضی باغچه هاست که صرف از برای سکنی است نه اینکه عایدی منظور نظر باشد آنها که برای عایدی است باید داخل شود و آتھائی را که برای مصرف انتفاع شخصی است باید استثناء کرد و از این جهت لازم است آقای مغیر این توضیح را بدهند

فرمودند در ممالک خارجه خانه جزء منابع ثروت است و اغلب کمیابها از خانه منقذ و بهر میبرند صحیح است ولی چون در ایران خانه از منابع ثروت محسوب نمیشود لهذا این پیشنهاد را کردم و به علاوه دولت باید مالیات را بروی یک عایدی ثابت مستقیمی وضع کند و خانه خیلی اتفاق می افتد که محل حاجت صاحبش واقع می شود و گاهی هم از این موضوع خارج میشود و اجاره میدهند مسلم است در ایران مردم خانه را فقط برای اجاره دادن نمی سازند و از برای این کار مهیا نمیکند بلکه یا برای پریشانی و استیصال صاحب خانه یا بواسطه مسافرت او یا یکی از این جهات اجاره داده میشود این بود که توضیحاً عرض کردم همچنانکه کمیسیون اصلا مالیات را صلاح ندیده اند از این جزئی عایدی هم که در طهران و در بعضی نقاط دیگر هست دولت صرف نظر بفرماید در این مسئله که بعضی از آقایان فرمودند این مالیات برای نظمی است و هر کس در خانه می نشیند حفظ لازم دارد بنده عرض می کنم صحیح است حفظ لازم دارد ولی خانه حفظ لازم ندارد بلکه صاحب خانه حفظ لازم دارد و این صاحب خانه اگر مالک است که از ملکش مالیات میدهد از کدومش گندم میدهد از جوش جو میدهد از تریاکش مالیات تجدید میدهد از اغش مالیات نواقل میدهد و اگر کاسیست که از کبش مالیات میدهد پس بناه علیهذا خانه در ایران از منابع ثروت بشمار نیاید و اساس قوانین مملکتی هم برای رعایت حال فقراء و ضعیفا بوسیله کارخانجات و غیره آن وسائل هم که امروز در ایران مهیا نیست پس خوب است دولت از این جزئی منقذ خانه های اجاره که به مدار وضع مخارج اداری و تنفیذ این خانه ها که اجاره رفته و یا نرفته عاید او میشود صرف نظر فرماید و چنانچه کمیسیون صلاح بدانند این مطلب را از زرع مواد ساقط کنند

رهیسی - پیشنهاد را باید قبل از شور دوم بفرمائید .
مخبر - دو فقره پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای زنجانی و دیگری از طرف آقا بقیده بنده چنانچه در شور اول هم عرض کردم تصور میکنم نشود این پیشنهاد را تأیید کرد بجهت اینکه تمام این پیشنهاد ها در شور اول وقابل توجه نشد و رد شد باز هم مجبورم بطور خلاصه عرض خود را تکرار کنم اولاً پیشنهاد آقای زنجانی دارای چند مطلب مختلف است که خودشان مشروحاً بیان فرمودند بقیده بنده خوبست این مطالب را با هم مخلوط نفرمائید زیرا بعضی از این مطالب در این لایحه درج شده و بعضی دیگر هم اگر لازم باشد بجای خودش که مجلس آمده ذکر خواهد شد یکی راجع بنظمی است که بقیده بنده مجلس اینجا نیست و نباید در اینجا ذکر شود و یکی تعریف قضات است و دیگری داخل کردن خانهاست مطلقاً چنانچه در شور اول عرض کردم این لایحه قانونی باید یک مبنائی داشته باشد یک مبنائی آن همان جوری که وحیدالملک در شور اول مفصلاً فرمودند مبنائی است که در اغلب ممالک معمول است و هیچ نظر بعائدات ندارد و از خود مستقلاً مالیات میگیرند و یکی دیگر بهمان چیزی است که ما بر حسب تقاضای مملکتی در کمیسیون قوانین مالیه مبنائی این قانون قرار داده ایم و آن اخذ یک قسمت از عایدی است که گفته ایم هر چه

عادت کردند آنوقت ممکن است مقامات مقننه تجدید - نظری در آن بکنند و قسمت دیگر بر آن اضافه نمایند والا اگر از اول بخواهیم این کار را بکنیم بوقع اجرا گذارده نخواهد شد و بالاخره در پیشنهاد آقای زنجانی با آن قسمتی که بنده موافق هستم و مخالفی ندارم یکی محل کارخانجات است (نه خود کارخانه) بعلم اینکه عرض کردم شاید با مالیات صنفی اشتباه شود و باید این را در نظر داشت که مالیاتی برای آنها بر قرار شود با تعریف قضات هم چندان مخالفتی ندارم منتهی تعیین قضات بداشتن بیست دکان گمان نمیکند کافی باشد و ممکن است بگوئیم قضات عمده که صورتش ضمیمه این قانون میشود اگر یک همچو کاری بکنیم بعقیده بنده بهتر است در هر صورت با تعریف قضات بنده مخالفتی ندارم اما باغات را که آقا از بنده توضیح خواستند عرض میکنم در اکثر جاها باغات در ضمن املاک مالیات معینی دارند و گرفته می شود دیگر محتاج باین نیست که در این قانون بکنیم با پیشنهاد آقای سلطان - العلماء هم نمیتوانم موافقت کنم بجهت اینکه مخالف با اساس این قانون است یعنی یک قسمتی از املاک مستقل عایدی دار معاف از مالیات مینمایند و املاک دیگر را محکوم بدادن مالیات میکند و مساوات در مالیات گذاری از میان میرود لهذا با هر دو اینها موافقت ندارم

حاج شیخ محمد حسن گروسی - آقا ح مغیر توضیح فرمودند که باغات مالیات دارد بنده عرض میکنم که باغات و آن چیزهایی که در اینجا ذکر شده است از قبیل کاروانسرا و مهمانخانه ها و نمایشگاهها اگر سابق هم مالیات داشته بترتیب و طرز قانونی نبود و لذا در آخر این قانون نوشته شده است که آنچه سابق بعنوان مالیات مستقلاً میداده اند بعد از اجرای این قانون منسوخ و لغو میشود حالا نمیدانم مالیات باغات بطرز قانونی است یا غیر قانونی اگر بطرز قانونی است با این قانون که وضع میکنم حرفی ندارم و اگر بطرز غیر قانونی است چون آن اموری را که مالیات آنها طرز غیر قانونی داشته است حالا الغاء کرده و این طرز قانونی را در آن جریان داده ایم پس باید باغات هم این معامله بشود

مخبر - تصور میکنم در اینجا یک مختصر اشتباهی شده است اینکه ما الغاء کردیم و گفتیم مالیات هائی که از برای املاک مستقل بوده است بعد از وضع این قانون القا می شود برای این بود که خیلی فریب میشد اگر ما می گفتیم یک دکانی که در فلان شهر مالیات مستقل میدهد جزو املاک مستقل است مطابق این قانون هر یک مالیاتی بدهد پس قهراً مجبور بودیم که بگوئیم تمام دکاکین در شهرها و قضات عمده بعد از نوشتن و وضع این قانون بیک میزان مالیات بدهند ولی در باغات ممکن نیست اینکار بشود بجهت اینکه قسمت اعظم باغات در شهرها و قضات عمده نیست و باغاتی که در خارج شهر هاست بیشتر مالیات میدهند و اگر ما آن مالیات را هم در تحت این قانون می آوریم از مدنظر مالیات گذاری جزغریبی میشد و موجب اختلاف مالیات باغات میشود آنوقت باغاتی که در دما ت بود یک جور مالیات میداد و باغاتی که در شهرها واقع است بایست صدی چهار بدهد و از

این نقطه نظر باغات را نمیتوان در این لایحه ذکر کرد .
رهیسی - آقایان مذاکرات را کافی میدانند یا خیر ؟ (گفته شد کافی است) پیشنهادها قرائت میشود .
(علاوه بر پیشنهاد آقایان زنجانی ، سلطان - العلماء چند فقره پیشنهاد دیگر بضماین ذیل قرائت شد .)
(پیشنهاد آقای میرزا هاشم)
بنده پیشنهاد میکنم که در خصوص قضات نوشته شود : قضاتی که مالیات معمولی جزو بودجه از سابق برای آنها وضع نشده باشد .
(پیشنهاد آقای سردار سعید)
بنده پیشنهاد میکنم که تبصره برای قضات نوشته شده باین طریق .
مقصود از قضات آبادیهائی هستند که دارای هزار خانوار اقلاً باشند .
(پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله)
بنده پیشنهاد مینمایم نمایشگاهها و میدانها و قضات و لفظ (غیره) از ماده حذف شود .
رهیسی - آقای آقا شیخ ابراهیم و سلطان العلماء که توضیحات خودشان را داده اند آقای آقا میرزا هاشم توضیحی دارید بفرمائید ؟

آقای میرزا هاشم این مالیات تقریباً یک فضا و مساحتی تعلق میگیرد که تا بحال مالیاتی بر آن نکرده باشد مستقلاً شهری همینطور است و کسی مستقلاً جاهائی که نقداً و جنساً یک مالیاتی بدولت میدهند دیگر چرا باید از آن فاعده عایدی که مالک میبرد مالیات بدهد جاهائی که یک فضا و مساحتی داشته باشد و یک مالیاتی را نسبت بآن فضا و مساحت منظور داشته باشند صحیح است ولی در فضا یعنی دهائیکه یک مالیاتی نقلاً جنساً میدهند صحیح نیست

سردار سعید - در باب قضات بنظر بنده آن طور که آقای زنجانی فرمودند کویا صحیح نباشد بواسطه اینکه ممکن است در یک دهی که سر راه باشد بیست یاسی باب دکان برای عابرین ساخته شده باشد و از آن طرف ممکن است یک قصبه که دارای هزار خانوار است بواسطه اینکه نزدیک بشهر است و لوازم خودشان را از شهر میگیرند دکان نداشته باشد آنوقت باید از این مالیات معاف باشد باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم و اینکه آقای مغیر فرمودند موافق صور تیکه منضم باین قانون خواهد شد ممکن است تعیین قضات بشود ولی بنده گمان نمیکند باین زدی موفق باینمطلب بشویم بواسطه اینکه مدتی وقت لازم دارد تا آن صورت بیرون و حاضر شود به علاوه اوضاع قضات هم متصل تغییر و تبدیل میکند ممکن است یک قصبه آباد تر شود و یک قصبه خراب تر شود و یا یکی از بین برود و اسباب زحمت فوق العاده خواهد شد خوبست معین شود یک قصبه دارای هزار خانوار است و ممکن است اسم قصبه را بر آن اطلاق کرد مالیات بدهد

حاج عز الممالک - در اینجا راجع به تعریف قضات دو فقره پیشنهاد شده که بنده با هر دو مخالف هستم یکی پیشنهاد آقای آقا میرزا هاشم است که اینطور مرقوم فرمودند قضاتی که تا بحال مالیات

معمولی جزو بودجه نداشته اند باید این مالیات را بدهند بنظر بنده این پیشنهاد اصلاً مناسب با این قانون نیست بجهت اینکه اگر مقصود ما این بود که این مالیات را بدکاکین وضع کنیم که تا بحال مالیات نداشته است پس میبایست بتوسیم در شهرها هم دکان هائی که تا بحال مالیات میداده اند مالیات مستقلاً را ندهند و این مالیات بر دکانهائی که تا بحال مالیات مستقلاً را ندهاده اند وضع شود در صورتیکه این ترتیب بکلی بر خلاف این لایحه است در این لایحه تصریح میکنند که این مالیات جدید بطور عمومی وضع و گرفته میشود مالیاتی که تا بحال می داده اند منسوخ خواهد شد بنابراین این پیشنهادیکه فرمودند موضوعی ندارد در باب تعریف قضات هم که آقای زنجانی و آقای سردار سعید و مغیر محترم هر کدام بیک طوری بیان فرمودند البته باید در آنجا تعریف قضات بشود که چنانچه قصبه باید بزرگ باشد تا مالیات مستقلاً را بدهد ابدأ موضوعی ندارد بجهت اینکه در قضات از باب دکاکین بدولت نمی داده اند یا مالیات صنفی میداده اند مثل اینکه از صیافی یا باقالی یا کسب دیگر که در قصبه بود مالیاتی میداده اند یا از ملک مزروعی و باغات بود و همینطور که آقای مغیر فرمودند بنده توضیح میدهم که باغات مالیات دارد و مالیات آن از روی اراضی است یعنی جریبی معین میکنند و از روی آن مالیات میدهند یا مالیات ملکی است که از روی زراعت قضات اینطور مالیات میداده اند و تا بحال مالیات مستقلاً نمی داده اند پس هر دکانی که در هر قصبه هست و از آن اجاره عاید مالکش میشود بیک قسمت عایدی خودش را بعنوان مالیات مستقلاً بدولت خواهد داد و اگر قصبه هم بود که باین میزان مالیاتی بدولت میداده است منسوخ خواهد شد پس بنده تصور میکنم این پیشنهاد در اینجا موضوعی نداشته باشد و راجع به پیشنهاد آقای سردار سعید بنده گمان میکنم هزار خانوار شاید یاد باشد و شاید هم بعضی آقایان بفرمایند کم است پس باید در این باب فکری کرد و گمان میکنم که همان فکر مغیر محترم خوب باشد که اسامی قضاب معین و ضمیمه این قانون شود یعنی نوع قضات را که خیلی محدود خواهد بود معین نمود اسامی آنها باین لایحه الحاق شود و اگر آقایان نظر داشته باشند که دولت این کار را نکند ممکن است خود کمیسیون اینکار را بکنند و بجلس پیشنهاد شود در هر صورت این دوسه تعریفی که برای قضاب شده است مقصود را کاملاً نرساند

مخبر - بنده تصور میکنم پیشنهاد آقای سردار سعید را بشود قبول کرد که در ضمن یک تبصره باده ضمیمه شود بقیده بنده خوبست ارجاع بفرمائید بکمیسیون در هر صورت ممکن است در خود ماده رأی گرفته شود و بعد اینمطلب در ضمن تبصره باده اضافه شود

رهیسی - از آقای حاج شیخ حبیب الله هم پیشنهادی رسیده بود توضیحی دارند بفرمائید

حاج شیخ حبیب الله ولا تخرجوا الناس اشباههم ولا تمنوا فی الارض مقدسین ما یاید وقتیکه یک تعمیلی بر ریخت میکنیم ملاحظه این را داشته باشیم که آیا اصلاحی در مملکت میشود یا جزو توان فساد است مالیات هائیکه جعل میشود یا باید از برای مصالح ملت یا

از برای مصالح دولت باشد ما اگر فرض کنیم که در سال مبلغ خطیری از رعیت از مستقالات میگیریم برای چه این وجه را میگیریم باوجودیکه مالیات از سابق بود و مکرر در مکرر این مالیات مضاعف شده است برای چه مجدداً بگیریم لابد خواهد گفت که چون حسرت مالیه داریم حسرت مالیه سبب شده است که ما این قسم مالیاتها جمع کنیم عرض میکنم این دو شق دارد يك شقش این است كه ميگویند (چه دخلت نیست خرج آهسته تر کن) بعد از آنکه ما دخلمان کم است باید خرج را با دخلمان بسنجیم و هر قدر دخل داریم مطابق آن خرج بترسیم والا اگر ابتداء خرج بترسیم هر چه از رعیت بگیریم وافی نخواهد شد ولو اینکه تمام مایملک رعیت هم گرفته شود و با این ترتیب ادارات که ما فرض میکنیم با این مالیاتها که از تعدید بابت تعدید بر رعیت بسته ایم مثلاً مالیات تعدید بستیم دو بیست و هشتاد هزار تومان دخلش را معین کردند و دو بیست و دو دوازده هزار تومان خرجش را معین نموده اند در صورتیکه....

رئیس - پیشنهاد جناب عالی راجع است به نمایشگاهها و میدانها و قصبات و لفظ (غیره) این نطق خارج از موضوع است پیشنهاد قرائت میشود ملاحظه بفرمائید

(بمضمون سابق قرائت شد)

رئیس - در این باب باید بطور اختصار استدلال فرمایند چون شور و دوام است داخل در اصل مطلب نمیشود اصل مطلب در شور و اول و ثانوی مطرح شده مذاکره هم شد حالا راجع پیشنهادی که کرده اید باید توضیح بدهید

حاج شیخ حبیب الله - بله اما در مواردیکه مالیات برای آنها جمع میشود این مالیات باید بطوری باشد که مورد داشته باشد و ما بتوانیم برای او دفتر دار و محاسبی معین کنیم مثلاً نوشته اند (انبارها) در ایران انبارهایی ندارد یا جزو دکان یا جزو کاورانسرا است که مالیات میدهند یا انباری است که يك کسی در يك گوشه خانه خود برای غله میسازد و قابل اینکه مالیات بدولت بدهد نیست انبار خارجی نیست که بر او مالیات جمع شود اینک در باب انبارها مادر باب اینکه میفرمایند نمایشگاهها مادر در ایران نمایشگاه نداریم که مالیات ببندیم امامیدانها میدان مال فروشی است میدان مرغ فروشی است ما همچو میدانی نداریم که از آنها مالیات بگیریم علی الخصوص که این میدانها نوعاً در اراضی است که مالک ندارد یا در شوارع است یا در امکنه است که مصارف عامه دارد و قابل اینکه از برای او مالیاتی جمع بشود نیست علاوه بر این مالیاتی که اصناف میدهند همان مالیاتی است که برای این میدانها میدهند از این جهت بنده نمیتوانم تصور کنم که برای اینها مالیاتی وضع شود اما لفظاً (غیره و غیره) لفظاً قانونی نیست فردار رئیس مالیه از هر شیئی مالیات میخواهد بگیرد و میگوید داخل (غیره) است من نمیدانم این (غیره) چه چیز است (غیره) قابل جمع مالیات نیست از اینجهت نمیشود آنرا هم داخل در قانون سکر اما قصبات همده این خودش اسباب اختلاف و نزاع بین دولت و ملت میشود ملت میگوید قصبه من همده نیست دولت میگوید همست باید قصباتی معین شود که قابل نظمی باشد اگر يك قصبه هست که قابل است در آنجا اداره نظمی تشکیل شود آنوقت میشود این مالیات را برای او وضع کرد و الا مورد ندارد

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود رأی میگیریم -

(پیشنهاد آقای شیخ ابراهیم زنجانی - بمضمون سابق قرائت شد)

سردار سعید - خوبست مسئله قنوت راجع را کنند و يك پیشنهاد دیگری بشود

رئیس - آقایانیکه ماده سه را تصویب میکنند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمایند)

رئیس - تصویب شد - ماده چهارم خوانده می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۴) - مخارج و مصارف مواظبت و تعمیر مذکور در ماده (۳) برای کلیه مستقالات يك خمس عایدی سالیانه منظور میشود بمباراة اخری مالیات مستقالات بر چهار خمس عایدات مطلق سالیانه تعلق میگیرد .

رئیس - آقایانیکه ماده چهارم تصویب میکنند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند ماده چهارم تصویب و ماده پنجم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۵) عایدی هر يك از مستقالات مذکور در فوق اگر چنانچه در اجاره باشد از روی اجاره نامه تشخیص میشود و هر گاه با اجاره نرفته باشد اداره مالیه از روی میزبانی تشخیص خواهد داد باین ترتیب که آنها را با مستقالات نظیر آن که همان نواهی و اطراف نزدیک بآن واقع شده و تقریباً برای مصرف واحد مهیا شده اند سنجیده و میزبانی بنماید

رئیس - آقایانیکه ماده پنجم را تصویب میکنند قیام نمایند .

(اکثر قیام نمودند و ماده ششم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۶) مستقالات ذیل از دادن مالیات معاف می باشند .

(۱) مستقالات متعلق بدولت .

(۲) موقوفات متعلق به یکی از اماکن مقدسه و مساجد که دولت وقفیت آنها را تصدیق کرده باشد و مستقالات متعلق بمدارس و دارالمساکین و دارالجزیه و مریضخانهها

(۳) حمامها

تبصره - مستقالاتی مذکور در فقرات ۲ و ۳ مالیاتها را که تا کنون میبرداخته اند کماکان خواهند پرداخت .

(۴) مستقالات که بلا حاصل و فائده باشد .

(۵) خانههای مسکونی برای مدتی که مالکین شخصاً در آن خانه سکنا نموده اند .

رئیس - فقره ششم را کمیسیون اضافه کرده است قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

(۶) - خانه که قسمتی از آن را مالک و قسمتی دیگر را با اجاره داده باشد مشروط بر اینکه مال الاجاره سالیانه از سی تومان تجاوز نکند .

رئیس - آقای حاج شیخ حبیب الله مخالفند ؟

حاج شیخ حبیب الله - بنده بایک کلمه بش مخالفم چون از بابت موقوفات مقید فرموده است باما کن مقدسه و مساجد عقیده بنده این است که باید موقوفات مطلقاً معاف باشد و اینها را که معین کرده اند ببندازند بجهت اینکه از طرف وزارت معارف هم در موقوفات نظری خواهد شد يك قسمت را متولی میبرد و يك قسمت را وزارت معارف میگیرد يك قسمت هم که مالیات شخصی دارد با این ترتیب تمامش از بین می رود پس خوبست مطلق موقوفات را بنویسند .

مخبر - بنده تصور میکنم این نظر راجع باینجا نباشد يك قسمت را متولی میبرد ربطی باین مطلب ندارد و شاید تمام مالیه موقوفه را ببرداشته طلب مربوط بقضیه موقوفه نیست اگر فقط نظر احترامی نبود بنده عرض میکنم که موقوفه و غیر موقوفه فرق ندارد بجهت اینکه همانطور که غیر موقوفه از امنیت مملکت متمتع میشود موقوفه هم همین حالت را دارد پس معافیت دادن بصورت اینکه وزارت اوقاف يك چیزی خواهد گرفت و متولی يك چیزی خواهد برد نظر صحیحی نیست البته وزارت اوقاف و معارف برای همین است که در موقوفات نظارت داشته باشد که بصرف و فتنهها هم برسد و وزارت معارف در این کاریک مدعی العمومی است و البته باید يك سهمی ببرد همچنین دولت هم وقتیکه يك مالیاتی از برای کلیه املاک مستقل برقرار میکند برای این املاک هم باید برقرار کند فقط نظر احترامی بود که اینجا استثناء شده والا هیچ فلسفه ندارد .

حاج شیخ محمد حسن گروسی - بنده نسبت بقدره پنجم از این ماده بیاناتی عرض کردم که خانه های مسکونی که مالکین مدتی در آن سکونی نموده اند مطلقاً از وضع مالیات خارج است حالا اگر نرسد تا مدتی هم اجاره داده شده باشد باز عنوان مسکونی بآن صادق است و باید معاف باشد یعنی موضوعاً خارج است و اینکه اینجا نوشته شده است (برای مدتی که مالکین شخصاً در آنها مسکن نموده اند) شاید يك کسی یکماه بيك جایی برود و ندرتاً آن یکماه را اجاره بدهند یا این وصف از دارالسکناهی خارج نشده است هر وقت که عنوان خانه اجاره پیدا کرد آنوقت داخل این عنوان میشود و الا مادامیکه اجاره بدهد نمیشود مالیات بر او وضع شود این بود که پیشنهادی دادم که خانه های مسکونی نوشته شود مخلوط نشود .

مخبر - در اصل مطلب جوابی عرض نمیکنم بعلت اینکه مکرر جواب عرض کرده ام ولی فقط عرض میکنم خوبست فقره بقره بفرمائید که مطالب مخلوط نشود .

رئیس - در شور اول همین کار را کردیم و تصور کردم چون در شور اول تمام مذاکرات شده است در شور دوم این ترتیب لازم نخواهد بود حالا که میخواهد همین کار را میکنیم در فقره اول مخالفی هست یا خیر ؟ (اظهاری نشد) در فقره دوم چطور ؟ (اظهاری نشد) در فقره سوم چطور ؟

سلیمان میرزا - در فقره دوم که ...

رئیس - این مسئله بسته بمیل خودشان است .

حاج شیخ اسد الله - در شور اول در فقره اول

این پیشنهاد رأی گرفته و رد شد گمان میکنم ثانیاً نمیشود رأی گرفت .

رئیس - تفاوت نمیکند اشخاصیکه میخواهند رد کنند تقاضا میکنند تجزیه شود رأی میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای شیخ ابراهیم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای سلطان العلماء قرائت میشود .

(مجدداً بمضمون ذیل قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای آقا میرزا هاشم .

آقا میرزا هاشم - بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم .

رئیس - در پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله رأی میگیریم آقایانیکه اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - اصلاح آقای سردار سعید هم بکمیسیون می رود و بشکل تبصره خواهند نوشت رأی میگیریم در ماده اول .

مخبر - قبلاً بنده باید عرض کنم که آقایان در موقعبیکه رأی میدهند البته در این مسئله دقت خواهند کرد که دو طرف قضیه رد شده است بعضی عقیده ایشان این بود که خانه های مسکونی هم باید داخل شود آن هم رد شد پس بنده استعفا میکنم در رأی دادن دقت بفرمائید بعلت اینکه اگر ماده اول رد شود تمام این قانون رد میشود .

مشارالذوله - (وغیره) را که آقای حاج شیخ حبیب الله پیشنهاد کردند حذف شود بنده هم پیشنهاد میکنم حذف شود (وغیره) هیچ معنی ندارد **مخبر** - اگر چه (وغیره) اینجا معنی دارد ولی برای اینکه خود ماده در خطر نیافتد بنده لفظ (وغیره) را پس میگیرم .

(ماده اول با حذف (وغیره) مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه ماده اول را بطوریکه قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند .

(عده کثیر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده دوم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده دوم - مالیات مستقالات مذکور در ماده (۱) از قرار صد پنج عایدات خالصی سالیانه تعیین میشود .

رئیس - آقایانیکه ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند .

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده سوم قرائت میشود . (بمضمون ذیل قرائت میشود)

ماده (۳) - مقصود از عایدات سالیانه عایداتی است که پس از وضع مخارج لازمه از بابت مواظبت و تعمیر عاید مالک میشود .

رئیس - فقره سوم است .

دارد و معلوم نیست این عایدی بکجا و بکدام سوراخ فرو میرود اگر صد پنجاه هم بدولت بدهد که نظمی آن شهر بتواند حفظ ناوس صاحب آن موقوفه را بکند چه ضرر دارد خوبست یکقدری از سطحیات خارج شویم و يك قدری روشن تر شویم بهر حال این مطلب گمان میکنم خارج از موضوع این قانون است و البته موقوفات باید مالیات بدهند .

مخبر - این مطلب را جمع بکلیه موقوفات نیست راجع باملاک مستقلی است که در شهرها و قصبات همده وقف شده اند و الا خیلی املاک وقف داریم که مالیات میدهند و تابعال هم مالیات خود را داده اند .

ملك الشعراء - بنده هم مقصود همان مستقالات موقوفه در شهرها است .

عبد الملك - در شور اول هم عرض کردم که املاک مزروعی که متعلق باوقافت مالیات میدهند و منحصر باین صد چهارم نیست بطور اختصار عرض میکنم املاک موقوفه اگر باید مالیات بدهند مطلقاً باید بدهند برای اینکه همین مالیات برای شاعر اسلامی مصرف میشود علاوه امنیت و انتظام مملکت یکی مطالبی است که مسلمانها بیشتر اهمیت میدهند بیشتر باید طرف توجه هر مسلمانی باشد انجام قانونگذار این مالیات را به نظمی و تأمینات تخصیص داده است و گمان میکنم يك دلالتی باشد که بتوان این مسئله را در قانون مستقالات منظور داشت .

مؤید الاسلام - بنده هم عرضم این است که فرقی میان املاک مزروعی و مستقالات وقفی نیست همچنانکه املاک وقفی مالیات میدهند مالیات مستقالات را هم باید بپردازند علاوه در تمام وقف نامه ها ملاحظه میکنیم نوشته شده است که بعد از اداء مالیات و مخارج آنچه باقی میماند بصرف برسانند پس واقف هم همین نظر را دارد .

رئیس - راجع بقدره سوم آقایان اظهاراتی دارند ؟

آقا میرزا هاشم - بنده میخواستم عرض کنم که نسبت بقدره مالیاتی که برای مستقالات موقوفات و دارالساکنین و دارالجزیه معین شده است بعضی آقایان تصدیق فرمودند که

رئیس - راجع بقدره سوم است .

آقا میرزا هاشم - بنده راجع بقدره دوم عرض داشتم .

رئیس - موقمش گذشته در فقره چهارم کسی اظهاری دارد یا خیر ؟ (مخالفی نشد) در فقره پنجم پیشنهادی کرده اند قرائت میشود .

حاج شیخ محمد حسن - از طرف بنده است قرائت بفرمائید .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که فقره پنجم چنین نوشته شود ، خانه های مسکونی .

حاج شیخ محمد حسن - سابقاً عرض کردم که خانه های اجاره متعدی از برای عایدی که مالیات میدهند الا خانه های مسکونی از برای صرف انتفاع است و ابدأ مالک در او نظر بعبایدی ندارد در صورتیکه از او يك عایدی برای امور معیشت شخصی خودش دخل نمیکند از این موضوع خارج و نباید آنرا در استثنائیکه برای مالیات فرموده اند داخل کنیم یا از جهت او مالیات ببندیم لهذا عرض

کردن خانه های مسکونی مطلقاً خواه باینکه مدتی مسکونی باشند یا نباشند همینقدر از عنوان دارالسکنائی بیرون نرفته است از موضوع مالیات خارج است تا وقتی طوری بشود که مالک آنرا داخل خانه اجاره بکند و او را مه از برای اجاره قرار بدهند آنوقت داخل در موضوع مالیات بده میشود پس قید باینکه (برای مدتی که مالکین شخصاً در آن سکنی نموده باشند) این قید را بنده زائد میدانم رئیس - در فقره پنجم دیگر کسی اظهار ندارد در فقره ششم چطور ؟

مبصر الملک - در فقره ششم نوشته شده است (خانه هاییکه مالکین در آن سکنی دارند و قسمتی از آنرا اجاره میدهند در صورتیکه مال الاجاره سالیانه از سی تومان تجاوز نکند) بناید مالیات بدهند بنده عرض میکنم این مسئله برای مرکز خیلی خوبست ولی از برای ولایات خیلی زیاد است بجهت اینکه در ولایات اجاره خانه ها مهم بیشتر از سی تومان نیست اگر باین ترتیب باشد هیچ مالیاتی باقی نمیمانند که از این قبیل خانه ها گرفته شود خوبست در ولایات یانزده تومان قرار بدهند و در مرکز سی تومان

مخبر - اینجا دوش شرط شده است این دوش شرط که باهم جمع شوند آنوقت تازه معاف میشود اگر يك شرط بود بنده هم با آقای مبصر الملک موافق بودم شرط اول این است که خود مالک در آن ساکن باشد و یکقسمت آن را اجاره داده باشد شرط دوم این است که مال الاجاره آن قسمتی که با اجاره داده میشود از سی تومان کمتر باشد برای اینکه ما سنجدیدم سی تومان در سال ماهی کمتر از سه تومان میشود و مالیات آن ماهی بگقران میشود و این مبلغ ضرر ندارد و از مالیات معاف باشد ولی البته اگر زیاد تر از این مبلغ باشد و صاحب آن يك قسمتی را با اجاره داده باشد باز مالیات میدهد رئیس - آقای مدرس پیشنهاد جنابعالی قبلاً قرائت میشود به توضیح بدهید

(بمضمون ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم که فقره ششم چنین نوشته شود خانه که قسمتی از آن را مالک ساکن و قسمت دیگر را با اجاره میدهد یا مال الاجاره سالیانه از سی تومان تجاوز نکند

مخبر - مابین این پیشنهاد و ماده اختلاف نظر بزرگی است مقصود ما معاف کردن خانه هاییکه مطلقاً سی تومان اجاره دارد نیست بجهت اینکه آقای آصف الملک پیشنهادی کردند که ممکن است يك کسی يك خانه داشته باشد و چند تا اطاق آنخانه را اجاره بدهد اینجا تکلیف آن صاحب خانه چه خواهد بود و نظر ایشان این بود که آنقسمت هم معاف باشد یعنی يك قسمتی را که خودش سکنی کرده است يك قسمت دیگر را هم که با اجاره داده است ولو اینکه يك عایدی مختصری هم برای او داشته باشد معاف باشد کیسیون قوانین مالیه هم نظر ایشان را تصدیق کرد بجهت اینکه کسی که يك خانه دارد و در يك قسمت آن منزل کرده و يك قسمت دیگر را اجاره میدهد معلوم است از روی گرفتاری و اضطرار است در این صورت این عایدی قابل تعین يك مالیات نخواهد بود بنابراین این قبیل خانه ها از مالیات دادن معاف هستند بعضی هم نظرشان این بود که ممکن است کسی يك عمارت

بزرگی داشته باشد و قسمت کوچک را خودش منزل بکند و قسمت بزرگ عمارتش را اجاره بدهد آنوقت مطابق این قانون آن عمارت باید از دادن مالیات معاف باشد و اگر اینطور قرار بدهیم غلط است باین ملاحظه بود که مقید کردیم بدو شرط یکی اینکه خودش ساکن باشد و يك قسمت را با اجاره بدهد و دیگر اینکه مال الاجاره اش سالیانه از سی تومان متجاوز نباشد والا اگر مال الاجاره اش در سال صد تومان یا دویست تومان باشد البته باید مالیات بدهد چه فرق میکند آن شب هم درشوراول فرمودند عرض کردم اگر باین وسائل غیر مستقیم بخواهند موفقیت حاصل کنند با اینکه خانه ها از دادن مالیات معاف کنند متأسفانه اکثریت مجلس آن نظر را رد کرد و حالا هم اگر بخواهیم مقید کنیم که خانه هاییکه اجاره شان سی تومان است مالیات ندهند قسمت اعظم خانه ها بناید مالیات بدهند

مدرس - اولاً عرض کنم که این پیشنهاد غیر از آن پیشنهادها است بواسطه اینکه این پیشنهاد ها صد و بیست تومان و شصت تومان میشود و این پیشنهاد مقید سی تومان است که در حقیقت ماهی ۲۵ قران کرایه آن میشود مقصود این است که خانه که ماهی ۲۵ قران اجاره اش باشد و این مبلغ همده نیست و متحمل شدن آن سهل است لهذا این قسم پیشنهاد کردم که خانه هاییکه يك قسمت از آنرا اجاره داده باشند یا مال الاجاره سالیانه آنها از سی تومان تجاوز نکند معاف باشد

مخبر - بعلاوه عرض میکنم این پیشنهاد در اینجا مورد ندارد بجهت اینکه این پیشنهاد مجلس جای دیگر بود و آن فقره ششم است و راجع است بغانه های مسکونی که يك قسمتش را اجاره میدهند پس در این مورد این پیشنهاد آقا هیچ موقع ندارد و آن معایبی هم که عرض کردم وارد است

رئیس - آقای مؤید الاسلام و عدل - الملك و ملك الشعراء پیشنهاد کرده اند این ماده تجزیه شود و رای گرفته شود و يك پیشنهاد هم از طرف آقای زنجانی است قرائت میشود و رای می گیریم

(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم ماده ششم چنین نوشته شود: مستقلات ذیل از دادن مالیات مقرر در این قانون معافند

۱ - مستقلات متعلق بدولت
۲ - مستقلات متعلق بمدارس ابتدائیه یا متوسطه یا عالیه تا به پروگرام وزارت معارف
۳ - مستقلات متعلقه بمدارس الساکین و دارالمعزیه و دارالایام و مریضخانه ها
۴ - حمامها و لیکن حمامها هر گاه مالیاتی قبل از وضع این قانون میبرد داشته اند کماکان باقی است

رئیس - آقای زنجانی توضیحی دارید بفرمائید

آقا شیخ ابراهیم زنجالی - این قیدی را که در مدرسه عرض کرده ام برای این است که موقوفات مدارس قدیمه از این مدارس بیشتر است و غالباً هم بمصرف خودش نمیرسد دولت همچنانکه از سایر موقوفات مالیات

میکردند از موقوفات مدارس قدیمه هم باید مالیات بگیرد مدارس که استثناء شده است مدارس جدیده است که از برای اطفال تأسیس شده است

مخبر - بنده تصور میکنم خوبست حالا این پیشنهاد بماند و در خود ماده رای بگیریم

رئیس - رای میکنیم در قابل توجه بودن ماده که آقای زنجانی پیشنهاد کرده اند آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد - حالا ماده را تجزیه میکنیم و رای میکنیم اما باینکه فقره اول ماده ششم را تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - رای میکنیم به فقره دوم آقایانی که فقره دوم را تصویب میفرمایند قیام نمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد - رای میکنیم بفقره سوم آقایانی که فقره سوم را تصویب میکنند قیام نمایند

(غالباً قیام نمودند و تصویب شد)
رئیس - رای میکنیم بفقره چهارم آقایانیکه فقره چهارم را قبول دارند قیام نمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد در فقره پنجم آقای آقا شیخ محمد حسن پیشنهادی کرده اند که باید در قابل توجه بودن آن رای بگیریم توضیح هم داده اند قرائت می شود رای میکنیم

(بمضمون ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم که فقره پنجم چنین نوشته شود: (خانهای مسکونی)
رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای شیخ محمد حسن را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - رای میکنیم بفقره ششم بترتیبیکه اخیراً کمیسیون پیشنهاد کرده است آقایانی که پیشنهاد میکنند قیام نمایند

بنده عرض میکنم آن دو ماده هم جزو هیچ است نه جزو عایدی معموله است و نه جزو عایدات غیر معموله و از این قبیل اتفاقات بسیار خواهد افتاد و نباید از موضوعش خارج کرد و داخل موضوع دیگر نمود دارالسکنائی موضوعی است مستقل و در قابل آن خانه هائیی است که اشخاص سکنی دارند اگر چه از مستقلات است و ندرتاً اجاره داده شد ولی تفاوت نظر خیلی است و باید معاف باشند

مخبر - بنده باز هم عرض میکنم تفاوت نظری در بین نیست بجهت اینکه تا وقتی که کسی در خانه خودش منزل دارد آنجا نه مسکونی است و مطابق این قانون باید معاف باشد بجز در آنیکه يك ماه یا دو ماه اجاره داد به موجب ماده اول خانه که اجاره داده میشود مالیات بر ارتفاق میگردد هیچ مقید نکرده ایم خانه اجاره که در ظرف یکسال اجاره داده میشود یا يك یا دو ماه همینقدر که با اجاره برود باید مالیات او را از روی آن اجاره بپردازد خواه يك سال باشد خواه يكماه بنده هیچ اشکالی در این نمی بینم اگر آقا اصلاح عبارتی دارند بنده کمال مساعدت را دارم

رئیس - در هر صورت موافق نظامنامه آنروزی که پیشنهاد قابل توجه میشود در آنروز بطور قطعی نمیشود رای گرفت

(ماده هفتم قرائت میشود)
(بمضمون ذیل قرائت میشود)
ماده ۷ - مستقلات جدید البتاه و مستقلاتی که بواسطه حادثه از قبیل حریق زلزله سیل و امثال آن محتاج به تجدید بنا یا تعمیر کلی شوند از روز ختم بنا تا دو سال از دادن مالیات مستقلات معاف خواهند بود مشروط بر اینکه وقوع خرابی و ختم بنا کتباً بداره مالی اظهار شود

رئیس - در ماده هفتم مخالفی نیست رای میکنیم آقایانیکه ماده هفتم را تصویب میکنند قیام نمایند

عده کثیری قیام نمودند ماده هفتم تصویب شد و ماده هشتم بمضمون ذیل قرائت شد

ماده ۸ - هر يك از مستقلات مذکور که بیش از سه ماه مسلوب المنفعه بماند مالیات مدتی که مسلوب المنفعه بوده است باو تخفیف داده میشود

رئیس - آقای مدرس فرمایشی دارید ؟
مدرس - عرضم این است که این ماده محتاج الیه نیست بجهت اینکه نوشته است کمتر از سه ماه باو تخفیف داده نمیشود این مسئله با اساس این قانون مخالف است بجهت اینکه این قانون از روی عایدی است يكماه عایدی دارد يكماه ندارد دو ماه دارد سه ماه با چهار ماه ندارد دو ماهی که عایدی ندارد تخفیف داده نمیشود این هیچ فلسفه ندارد و با این قانون مخالف است لهذا اگر آقای مخبر تأمل بفرمایند خوبست اصلاً این ماده را الغاء بفرمایند زیرا ابدال محل احتیاج نیست بجهت اینکه وقتیکه مالیات مالیات عایدی شد هر چه عایدی داشته باشد باید مالیات بدهد چهار ماه است چهار ماه هشت ماه است هشت ماه

مخبر - بله اینجا درشور اول هم آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند و بنده هم جوابی بایشان عرض کردم و حالا هم تکرار میکنم که در تشریح و فکر

کدام حق با جنابعالی است و همین طوری است که میفرمایند و باید ساعت بساعت عایدی آنرا سنجدید و ساعت بساعت مالیات گرفت اما وقتیکه بخواهیم داخل عمل شویم و از روی جنبه عملی کار کنیم این مقصود پیش نمیرود و اسباب اشکال و زحمت فراهم می آید آن اداره که مورد وصول مالیات است هیچوقت نمیتواند مراقب و مواظب باشد که چه وقت خالی بود و چه وقت عایدی داشته چه وقت نداشته است بنابراین چه میکند يك حداقل اکثری معین میکند فرض کنیم در سال يك مستغلی سه ماه مسلوب المنفعه و خالی باشد و چیزی از آن بمالك عاید نشود و بعد نه ماه دیگر عایدی داشته باشد در مقابل صدی چهار که باید از مجموع عایدی سالیانه بدولت بدهد آیا آن عایدات نه ماه جبران خسارت آن سه ماه را میکند یا نه ؟ البته از مدنظر مالیه جبران میکند اما اگر امتداد میدادیم و میگفتیم نصف سال شش ماه اگر خالی مانده باشد مالیات بدهد آنوقت ظلم بود باین جهت برای اینکه بهتر شود این کار را اداره کرد این طرف در قانون معین شده است در ماده ۱۶ ملاحظه خواهید فرموده که کسانی که اسامشان بسمت مالکیت در دفاتر مالیه ثبت شده است خود آنها مشمول مالیات هستند حالا اگر کمتر از سه ماه مسلوب المنفعه بود متحمل ضرر او میشود و چندان تعمیلی نیست اما اگر زیاد تر بود آنوقت دولت مراعات میکند و تخفیف مالیاتی بمالك میدهد و این ترتیب از نقطه نظر عملی است نه از نظر فکری و عدالت مطلق چون گاهی از اوقات میشود که در عمل باید متعذر شویم و از عدالت صرف نظر بکنیم و این هم یکی از آن مقام است

حاج شیخ محمد حسن - این لفظ (مسلوب المنفعه) مثل لفظ مستقلات معلوم میشود بوجه خودش مقصود نیست چونکه مراد از مسلوب المنفعه نه این است که خانه یادا کاین که يك ماه یا ده ماه با اجاره نرفته آنرا مسلوب المنفعه بگویند مقصود این است که از حیز انتفاع بیرون باشد بلی وقتی از حیز انتفاع بیرون شد و بنا و اساس آن منهدم شد آنوقت او را مسلوب المنفعه میگویند ولی اگر مقصود از این لفظ این است که با اجازه نرفته است بایست بنویسید (که سه ماه بدون عایدی مانده باشد) اما اگر مقصود این است که بالمره از حیز انتفاع بیرون رفته است و بهیچوجه مالک نمیتواند از او منتفع بشود و اساس و بنایش منهدم شده است آنوقت چه مالیاتی باید بدولت بدهد ؟ بعلاوه منافات با آن فقره چهارم دارد که میگوید (مستقلاتی که بلا حاصل و فائده باشد) و او را از مستقبات شمرده است اگر مراد از مسلوب المنفعه همان مسلوب المنفعه مصطلح است که اساس و بنیان آن منهدم شود آنوقت متعین است که جزو مستقلاتی است که بلا فائده است و داخل مستقبات است اما اگر مراد بلا عایدی است تعبیر بلا عایدی بمسلوب المنفعه غلط است و باید این لفظ را عوض کنند و تعبیر به بلا عایدی نمایند اما اگر مقصود همان معنی خودش است که از جمله مستقبات شد و گفته شد که مستقلاتی که بلا فائده مانده نباید چیزی بدهد

مخبر - این کلمه را آقا تفسیر فرمودند باینکه بکلی از حیز انتفاع افتاده باشد در صورتیکه ابدال مقصود این نبود و مقصود ما این بوده است که سه ماه اگر بلا عایدی مانده باشد حالا اگر این عبارت حقیقتاً ناقص است اصلاح بفرمایند

حاج شیخ محمد حسن - بلی ناقص است **مدرس** - لابد تصدیق میفرمائید که وزارت مالیه همه ساله باید تعقیب بکند در اجاره و عایدی مستقلات باین اندازه که لابد منته است بعد از آنی که لازم است وزارت مالیه همه ساله این تعقیب را بکند پس يك ماه دو ماه سه ماه یا کمتر یا زیاد تر اگر بسته باشد و عایدی نداشته باشد هیچ فرقی نمی کند و بعد از اینکه لازم است وزارت مالیه تعقیب کند که عایدی فلان مستقل چقدر است ممکن است این سه ماه را هم فرض کنید جزو آن مدتی است که عایدی نداشته و باید مالیات بدهد

مخبر - عرض کردم در عمل تولید اشکال خواهد کرد وقتیکه میخواهند مالیات بگیرند فلان مالک ادعا خواهد کرد ۱۵ روز اینجای خالی بود اداره مالیه چطور این را بپذیرد استنادی لازم دارد ؟ شهودی لازم دارد ؟ معاً که بکند ؟ چه باید بکند ؟ باین جهت تعدید میکنند اگر زیاد تر از ۳ ماه است که بدولت تحویل می شود و از مالیات صرف نظر می کند اگر کمتر است که اینقدرها امنیت ندارد عرض کردم ما در مالیات گذاری تمام جنبه عدالت را نمی توانیم در نظر داشته باشیم يك قدری هم باید قسمت عملی را که اسباب سهولت کار است در نظر بگیریم قانون باید حتی الامکان يك طوری باشد که خیلی زود بتوان آنرا بموقع اجرا گذاشت

رئیس - مذاکرات در ماده هشتم کافی است یا خیر ؟ (گفته شد کافی است)
حاج شیخ محمد حسن - پیشنهادی دارم **رئیس** - (مسلوب المنفعه) را (بلا عایدی) بنویسید ؟

مخبر - فرقی نمی کند مقصود یکی است عبارت اگر اینطور بهتر است بنویسید بنظر بنده هر دو خوبست

رئیس - در اینخصوص پیشنهادی دارید ؟
حاج شیخ محمد حسن - بلی راجع بلفظ مسلوب المنفعه بود که قبول کردند
رئیس - قبول دارید ؟
مخبر - بلی قبول دارم
رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده قرائت می شود

(پیشنهاد آقای مشار الدوله بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم برای اینکه این ماده بعدالت نزدیکتر باشد اینطور نوشته شود
روزی که مستقل از مستاجر خالی شود فوری مالک بداره مربوطه اطلاع داده و از طرف اداره مزبوره آن مستقل را قفل نمود تا روزی که مستاجر برای آن مستقل پیدا شود مالک بداره اطلاع داده و اداره هم از روزی که آن مستقل بلا فائده بوده است مالیات را موضوع میکند
رئیس - توضیحی دارید بفرمائید
مشار الدوله - توضیح این مطلب واضح است و در پیشنهاد عرض شده است مقصودم از این پیشنهاد این بود که عالی تر شود و مخصوصاً تصدیق خواهند فرمود که اگر عملی تر نباشد بعدالت نزدیکتر است چون هر روزی که يك مستغلی بلا فائده بماند مالیات نمیدهند و خیلی هم صحیح است از آنطرف ملاحظه بفرمائید در همه جا این ترتیب سابقه دارد

چیزی نیست که بنده مخترع آن باشم وقتی ملاحظه فرمایند همه جاهمین طور است و برای اینکه نگویند همه روزه اسباب اشکال برای دولت و مالک فراهم میشود و هر روز مستأجر میخواهد بیاید به بیندو شاید نه پسندد و نمیشود هر روز بیایند رئیس اداره مربوط بان را با آنجا ببرند خوبست هر زمانیکه مستقل خالی ماند در آن مستقل را قفل کند و کلیه آنرا بدست خود مالک بدهند و وقتیکه يك مستأجر برای آن مستقل پیدا شد آنوقت خود آن مالک می آید و میگوید امروز يك مستأجر پیدا شده است و من از امروز بشما مالیات خواهم داد .

رئیس - آقای مخبر در این باب چه میفرمائید ؟
مخبر - خیر قبول ندارم .

رئیس - پیشنهاد دوم از طرف آقای نظام السلطان است قرائت میشود .
(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در عوض سه ماه یکماه نوشته شود .

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید .
نظام السلطان - عرض بنده این بود که عوض سه ماه یکماه نوشته شود و هر اقدامی که باید از طرف دولت برای آن سه ماه بشود برای این یکماه بشود .

رئیس - این پیشنهاد را قبول دارید ؟
مخبر - خیر

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای مشارالدوله آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

(صده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای نظام السلطان آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

(صده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - رای میگیریم به خود ماده هشتم با تبدیل لفظ مسلوب المنقه بلفظ بلاهائیدی آقایانیکه این ماده را با این اصلاحات قبول میفرمایند قیام نمایند

(صده کثری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم میکنیم و جلسه آفیه روز چهارشنبه سه ساعت قبل از ظهر و دستور آن بقیه شور در قانون مستقالات و رسیدگی با اعتبار نامه آقای سپهدار اعظم خواهد بود این را هم باید بعرض آقایان برسانم دو فقره لایحه از وزارت فواید عام و وزارت اوقاف رسیده بود از وزارت اوقاف راجع به متمم قانون اوقاف و يك فقره دیگر هم از وزارت فواید عامه که از طرف معاون فرستاده شده بود بنده اینطور تصور کردم و بایشان اطلاع دادم که قانوناً بایستی قوانینی که بمجلس پیشنهاد میشود از طرف وزیر یا از طرف هیئت دولت پیشنهاد شود این بود آن دو فقره لایحه را رد کردم که وقتی که هیئت وزراء معین شدند اگر تصویب کردند بمجلس پیشنهاد کنند

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

جلسه ۶۴

صورت مشروح مجلس روز ۴شنبه ۶ شهر شوال ۱۳۲۷

مجلس دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز ۱ شنبه سوم قرائت شد .

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج شیخ اسمعیل - امیر مؤید - آقا سید محمد رضا مساوات .

غائب با اجازه - آقای نظام السلطان .

مریض و با اجازه - آقایان میرزا محمد علیخان نماینده همدان - حاج شیخ محمد حسین یزدی - ارباب کیخسرو .

مدحت السلطنه - بنده و آقای ملک التاجار که نماینده بوشهر هستیم در جزء غائبین بدون اجازه محسوب شده ایم در صورتی که خود حضرت عالی و سایر آقایان ملاحظه فرمودید که سروقت ما در اطراف تنفس حاضر بودیم و بواسطه یاره ملاحظاتی نتوانستیم در جلسه حاضر شویم آقایان همه میدانند .

رئیس - این دلیل نمیشود غائب بودید غائب نوشته اند .

مدحت السلطنه - بنده میخواهم در جزء غائبین بدون اجازه محسوب نشوم چون حاضر بودم ولی حس بنده اجازه نداد در جلسه حاضر شوم .

رئیس - چون غایب بوده اید غائب نوشته شده است اگر دلیل میداشتید باید فوری در هیئت رئیسه اظهار کنید .

حاج سید رضا فیروز آبادی - بنده هم عریضه عرض کرده و اجازه خواسته بودم نه

رئیس - بلی راجع بچنانعالی اشتباه شده است اصلاح میشود - دیگر ایرادی نیست ؟

(اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد دستور امروز قانون مستقالات است از ماده .

(ماده مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۹ - هر کسیکه مالک مستقلی است و با حق انتفاع از آنرا دارد باید عایدی سالانه آنرا بداره مالیه محل اظهار نماید و ترتیب این اظهاریه و مدت مهلت آن در نظامنامه که در ماده (۱۸) این قانون مذکور است معین خواهد شد .

عدل الملک - اینجا مسئولیت را مردد بین مالک و مستأجر کرده است و تردید مسئولیت غالباً اسباب اشکال میشود خصوصاً در وقتیکه از طرف مستأجر هم صورت بداره مالیه داده شود يك طریقی است از برای تفتیش و گمان میکنم که لفظ (یا) در اینجا زیاد باشد برای اینکه چنانچه عرض کردم مسئولیت را بین مالک و مستأجر مردد میکنید و آن مقصود را که برای تفتیش اداره مالیه در نظر است از میان میبرد بنده تصور میکنم مقتضی این است که هر در در پیشگاه اداره مالیه مسئول باشند یکی از نقطه نظر تفتیش عایدات و یکی اینکه اصلاً بوظیف است صورت عایدی خود را بدهد

حاج شیخ محمد گروسی - صده جهات رهايت فنی آن است که فروعات هر اصل تفریع بر اصل دیگر شود اساس و مبنای وضع این مالیات را ما بر روی انتفاعات قرار نداده بلکه بر روی عایدات قرار دادیم بلی اگر از روی انتفاعات قرار داده بودیم نظر باینکه مستأجر هم بهره از انتفاعات دارد میتوانستیم بگوئیم مستأجر هم بتأدیه بعضی چیزها از قبیل دادن

صورت عایدات و اظهاریه ها در صورتیکه مالک حاضر نبود نمیداد مکلف است لیکن بعد از آنکه ما بنا را بر این گذاشتیم که وضع این مالیات بر املاک مستقل از روی عایدی است مسلم است که مستأجر هم منتفع میشود ولی عایدی مخصوص بخود مالک است پس جا ندارد وقوع این مینا نیست که مستأجر بوظائف تأدیه مکلف کنیم لهذا اگر ما خواسته باشیم رعایت جهات قانونی را کاملاً کرده باشیم باید بالمره مستأجر را کنار بگذاریم و بگوئیم مالک (که عایدی مخصوص باو است) مکلف بتأدیه و لوازمات آن میباشد

حاج شیخ اسدالله - گویا اینجا بر آقای حاج شیخ محمد حسن بواسطه این ماده که نوشته شده (هر کس مالک مستقلی است و با حق انتفاع از آن دارد) يك اشتباهی شده است و تصور فرموده اند مراد از آن کسیکه حق انتفاع دارد مستأجر میباشد و حال اینکه بنده غیر از این نظر میآید زیرا ممکن است کس مالک ملکی باشد و حق انتفاع از آنرا هم داشته باشد مثل اینکه يك کسی خانه را بعمری بکسی واگذار کرده یا اینکه دکانی وقف بر اولادشده باشد در این صورت آن کسیکه خانه باو واگذار کرده یا اینکه دکانی وقف بر اولاد شده باشد در این صورت آن کسیکه خانه باو واگذار یا در حق انتفاع از این خانه و دکان را دارد باید صورت عایدی آنرا بداره مالیه بدهد و اگر این عایدات از اینجا حذف و انحصار بمالک داده شود آنوقت شامل املاک مستقلی که وقف بر اولاد شده یا اینکه بعمری بکسی واگذار شده چنانچه شرعاً معمول است نخواهد شد پس معلوم میشود اینجا اشتباه کرده اند و مراد از این عبارت مستأجر نیست اما اینکه آقای عدل الملک فرمودند لفظ (یا) در اینجا زیاد است گمان میکنم اشتباه کرده باشند برای اینکه مالک و آن کسی را که حق انتفاع دارد هر دو را مسئول قرار نداده اند بلکه بر سبیل علی البدل و ترتیب یکی از آنها را مسئول کرده اند باین معنی که اگر مالک نیست مالک مسئول است و اگر نیست آن کسیکه حق انتفاع دارد مسئول است و مسئولیت ترتیب دارد و در عرض هم نیستند که در يك آن هر دو مسئول باشند و این عبارت خیلی ساده است و گمان میکنم هیچ عیبی ندارد

حاج شیخ محمد حسن گروسی - بنده هم میدانم کسیکه حق انتفاع دارد منحصر بمستأجر نیست الا اینکه اطلاق این عبارت مستأجر را هم شامل میشود بواسطه اینکه حق انتفاع پیدا کردن باین جهت این است که کسی ملکی را بر کسانی وقف میکند و موقوف علیهم حق انتفاع پیدا میکنند باینجهت این است که کسی ملکی را اجاره میکند و بواسطه اجاره کردن حق انتفاع پیدا میکند و يك قسمت آن که موقوف علیهم باشد راست است چون عایدی راجع بخود آنها است باید معامله مالک را با آنها کرد بخلاف مستأجر که عایدی راجع بخودش نیست در مقابل انتفاعاتی که میبرد مازاد داده است پس در این صورت باید این قسمت را جدا کند و کسانی که بعنوان وقف و یا سکنی یا عمری حق انتفاع دارند آنها هم حکم مالک را داشته باشند و داخل باشند ولی مستأجر چنانچه در مواد بعد هم اشاره به آن شده است باید خارج شود

مخبر بنده اصلاً تمجیت میکنم از این همه وقت که در این ماده میکنند گمان میکنم اگر آن

صورت عایدات و اظهاریه ها در صورتیکه مالک حاضر نبود نمیداد مکلف است لیکن بعد از آنکه ما بنا را بر این گذاشتیم که وضع این مالیات بر املاک مستقل از روی عایدی است مسلم است که مستأجر هم منتفع میشود ولی عایدی مخصوص بخود مالک است پس جا ندارد وقوع این مینا نیست که مستأجر بوظائف تأدیه مکلف کنیم لهذا اگر ما خواسته باشیم رعایت جهات قانونی را کاملاً کرده باشیم باید بالمره مستأجر را کنار بگذاریم و بگوئیم مالک (که عایدی مخصوص باو است) مکلف بتأدیه و لوازمات آن میباشد

حاج شیخ اسدالله - گویا اینجا بر آقای حاج شیخ محمد حسن بواسطه این ماده که نوشته شده

(هر کس مالک مستقلی است و با حق انتفاع از آن دارد) يك اشتباهی شده است و تصور فرموده اند مراد از آن کسیکه حق انتفاع دارد مستأجر میباشد و حال اینکه بنده غیر از این نظر میآید زیرا ممکن است کس مالک ملکی باشد و حق انتفاع از آنرا هم داشته باشد مثل اینکه يك کسی خانه را بعمری بکسی واگذار کرده یا اینکه دکانی وقف بر اولادشده باشد در این صورت آن کسیکه خانه باو واگذار کرده یا اینکه دکانی وقف بر اولاد شده باشد در این صورت آن کسیکه خانه باو واگذار یا در حق انتفاع از این خانه و دکان را دارد باید صورت عایدی آنرا بداره مالیه بدهد و اگر این عایدات از اینجا حذف و انحصار بمالک داده شود آنوقت شامل املاک مستقلی که وقف بر اولاد شده یا اینکه بعمری بکسی واگذار شده چنانچه شرعاً معمول است نخواهد شد پس معلوم میشود اینجا اشتباه کرده اند و مراد از این عبارت مستأجر نیست اما اینکه آقای عدل الملک فرمودند لفظ (یا) در اینجا زیاد است گمان میکنم اشتباه کرده باشند برای اینکه مالک و آن کسی را که حق انتفاع دارد هر دو را مسئول قرار نداده اند بلکه بر سبیل علی البدل و ترتیب یکی از آنها را مسئول کرده اند باین معنی که اگر مالک نیست مالک مسئول است و اگر نیست آن کسیکه حق انتفاع دارد مسئول است و مسئولیت ترتیب دارد و در عرض هم نیستند که در يك آن هر دو مسئول باشند و این عبارت خیلی ساده است و گمان میکنم هیچ عیبی ندارد

حاج شیخ محمد حسن گروسی - بنده هم میدانم کسیکه حق انتفاع دارد منحصر بمستأجر نیست الا اینکه اطلاق این عبارت مستأجر را هم شامل میشود بواسطه اینکه حق انتفاع پیدا کردن باین جهت این است که کسی ملکی را بر کسانی وقف میکند و موقوف علیهم حق انتفاع پیدا میکنند باینجهت این است که کسی ملکی را اجاره میکند و بواسطه اجاره کردن حق انتفاع پیدا میکند و يك قسمت آن که موقوف علیهم باشد راست است چون عایدی راجع بخود آنها است باید معامله مالک را با آنها کرد بخلاف مستأجر که عایدی راجع بخودش نیست در مقابل انتفاعاتی که میبرد مازاد داده است پس در این صورت باید این قسمت را جدا کند و کسانی که بعنوان وقف و یا سکنی یا عمری حق انتفاع دارند آنها هم حکم مالک را داشته باشند و داخل باشند ولی مستأجر چنانچه در مواد بعد هم اشاره به آن شده است باید خارج شود

مخبر بنده اصلاً تمجیت میکنم از این همه وقت که در این ماده میکنند گمان میکنم اگر آن

صورت عایدات و اظهاریه ها در صورتیکه مالک حاضر نبود نمیداد مکلف است لیکن بعد از آنکه ما بنا را بر این گذاشتیم که وضع این مالیات بر املاک مستقل از روی عایدی است مسلم است که مستأجر هم منتفع میشود ولی عایدی مخصوص بخود مالک است پس جا ندارد وقوع این مینا نیست که مستأجر بوظائف تأدیه مکلف کنیم لهذا اگر ما خواسته باشیم رعایت جهات قانونی را کاملاً کرده باشیم باید بالمره مستأجر را کنار بگذاریم و بگوئیم مالک (که عایدی مخصوص باو است) مکلف بتأدیه و لوازمات آن میباشد

حاج شیخ اسدالله - گویا اینجا بر آقای حاج شیخ محمد حسن بواسطه این ماده که نوشته شده

(هر کس مالک مستقلی است و با حق انتفاع از آن دارد) يك اشتباهی شده است و تصور فرموده اند مراد از آن کسیکه حق انتفاع دارد مستأجر میباشد و حال اینکه بنده غیر از این نظر میآید زیرا ممکن است کس مالک ملکی باشد و حق انتفاع از آنرا هم داشته باشد مثل اینکه يك کسی خانه را بعمری بکسی واگذار کرده یا اینکه دکانی وقف بر اولادشده باشد در این صورت آن کسیکه خانه باو واگذار کرده یا اینکه دکانی وقف بر اولاد شده باشد در این صورت آن کسیکه خانه باو واگذار یا در حق انتفاع از این خانه و دکان را دارد باید صورت عایدی آنرا بداره مالیه بدهد و اگر این عایدات از اینجا حذف و انحصار بمالک داده شود آنوقت شامل املاک مستقلی که وقف بر اولاد شده یا اینکه بعمری بکسی واگذار شده چنانچه شرعاً معمول است نخواهد شد پس معلوم میشود اینجا اشتباه کرده اند و مراد از این عبارت مستأجر نیست اما اینکه آقای عدل الملک فرمودند لفظ (یا) در اینجا زیاد است گمان میکنم اشتباه کرده باشند برای اینکه مالک و آن کسی را که حق انتفاع دارد هر دو را مسئول قرار نداده اند بلکه بر سبیل علی البدل و ترتیب یکی از آنها را مسئول کرده اند باین معنی که اگر مالک نیست مالک مسئول است و اگر نیست آن کسیکه حق انتفاع دارد مسئول است و مسئولیت ترتیب دارد و در عرض هم نیستند که در يك آن هر دو مسئول باشند و این عبارت خیلی ساده است و گمان میکنم هیچ عیبی ندارد

حاج شیخ محمد حسن گروسی - بنده هم میدانم کسیکه حق انتفاع دارد منحصر بمستأجر نیست الا اینکه اطلاق این عبارت مستأجر را هم شامل میشود بواسطه اینکه حق انتفاع پیدا کردن باین جهت این است که کسی ملکی را بر کسانی وقف میکند و موقوف علیهم حق انتفاع پیدا میکنند باینجهت این است که کسی ملکی را اجاره میکند و بواسطه اجاره کردن حق انتفاع پیدا میکند و يك قسمت آن که موقوف علیهم باشد راست است چون عایدی راجع بخود آنها است باید معامله مالک را با آنها کرد بخلاف مستأجر که عایدی راجع بخودش نیست در مقابل انتفاعاتی که میبرد مازاد داده است پس در این صورت باید این قسمت را جدا کند و کسانی که بعنوان وقف و یا سکنی یا عمری حق انتفاع دارند آنها هم حکم مالک را داشته باشند و داخل باشند ولی مستأجر چنانچه در مواد بعد هم اشاره به آن شده است باید خارج شود

مخبر بنده اصلاً تمجیت میکنم از این همه وقت که در این ماده میکنند گمان میکنم اگر آن

صورت عایدات و اظهاریه ها در صورتیکه مالک حاضر نبود نمیداد مکلف است لیکن بعد از آنکه ما بنا را بر این گذاشتیم که وضع این مالیات بر املاک مستقل از روی عایدی است مسلم است که مستأجر هم منتفع میشود ولی عایدی مخصوص بخود مالک است پس جا ندارد وقوع این مینا نیست که مستأجر بوظائف تأدیه مکلف کنیم لهذا اگر ما خواسته باشیم رعایت جهات قانونی را کاملاً کرده باشیم باید بالمره مستأجر را کنار بگذاریم و بگوئیم مالک (که عایدی مخصوص باو است) مکلف بتأدیه و لوازمات آن میباشد

حاج شیخ اسدالله - گویا اینجا بر آقای حاج شیخ محمد حسن بواسطه این ماده که نوشته شده

(هر کس مالک مستقلی است و با حق انتفاع از آن دارد) يك اشتباهی شده است و تصور فرموده اند مراد از آن کسیکه حق انتفاع دارد مستأجر میباشد و حال اینکه بنده غیر از این نظر میآید زیرا ممکن است کس مالک ملکی باشد و حق انتفاع از آنرا هم داشته باشد مثل اینکه يك کسی خانه را بعمری بکسی واگذار کرده یا اینکه دکانی وقف بر اولادشده باشد در این صورت آن کسیکه خانه باو واگذار کرده یا اینکه دکانی وقف بر اولاد شده باشد در این صورت آن کسیکه خانه باو واگذار یا در حق انتفاع از این خانه و دکان را دارد باید صورت عایدی آنرا بداره مالیه بدهد و اگر این عایدات از اینجا حذف و انحصار بمالک داده شود آنوقت شامل املاک مستقلی که وقف بر اولاد شده یا اینکه بعمری بکسی واگذار شده چنانچه شرعاً معمول است نخواهد شد پس معلوم میشود اینجا اشتباه کرده اند و مراد از این عبارت مستأجر نیست اما اینکه آقای عدل الملک فرمودند لفظ (یا) در اینجا زیاد است گمان میکنم اشتباه کرده باشند برای اینکه مالک و آن کسی را که حق انتفاع دارد هر دو را مسئول قرار نداده اند بلکه بر سبیل علی البدل و ترتیب یکی از آنها را مسئول کرده اند باین معنی که اگر مالک نیست مالک مسئول است و اگر نیست آن کسیکه حق انتفاع دارد مسئول است و مسئولیت ترتیب دارد و در عرض هم نیستند که در يك آن هر دو مسئول باشند و این عبارت خیلی ساده است و گمان میکنم هیچ عیبی ندارد

حاج شیخ محمد حسن گروسی - بنده هم میدانم کسیکه حق انتفاع دارد منحصر بمستأجر نیست الا اینکه اطلاق این عبارت مستأجر را هم شامل میشود بواسطه اینکه حق انتفاع پیدا کردن باین جهت این است که کسی ملکی را بر کسانی وقف میکند و موقوف علیهم حق انتفاع پیدا میکنند باینجهت این است که کسی ملکی را اجاره میکند و بواسطه اجاره کردن حق انتفاع پیدا میکند و يك قسمت آن که موقوف علیهم باشد راست است چون عایدی راجع بخود آنها است باید معامله مالک را با آنها کرد بخلاف مستأجر که عایدی راجع بخودش نیست در مقابل انتفاعاتی که میبرد مازاد داده است پس در این صورت باید این قسمت را جدا کند و کسانی که بعنوان وقف و یا سکنی یا عمری حق انتفاع دارند آنها هم حکم مالک را داشته باشند و داخل باشند ولی مستأجر چنانچه در مواد بعد هم اشاره به آن شده است باید خارج شود

مخبر بنده اصلاً تمجیت میکنم از این همه وقت که در این ماده میکنند گمان میکنم اگر آن

صورت عایدات و اظهاریه ها در صورتیکه مالک حاضر نبود نمیداد مکلف است لیکن بعد از آنکه ما بنا را بر این گذاشتیم که وضع این مالیات بر املاک مستقل از روی عایدی است مسلم است که مستأجر هم منتفع میشود ولی عایدی مخصوص بخود مالک است پس جا ندارد وقوع این مینا نیست که مستأجر بوظائف تأدیه مکلف کنیم لهذا اگر ما خواسته باشیم رعایت جهات قانونی را کاملاً کرده باشیم باید بالمره مستأجر را کنار بگذاریم و بگوئیم مالک (که عایدی مخصوص باو است) مکلف بتأدیه و لوازمات آن میباشد